

# نمونه‌ای دیگر از ورشکستگی رژیم و مقاومت توده‌های زحمتکش

پنجشنبه گذشته، یکبار دیگر رژیم جمهوری اسلامی به خانه‌های که زحمتکشان بدست خود برای سکونت خود بنا کرده بودند حمله کرد و آنها را با خاک یکسان کرد. ساکنین "شهرک طالقانی" - بین‌گرمدره و کلاک درحاشیه‌ی جاده‌ی تهران - کرج ساعت ۱۱ پنجشنبه شب با صدای بولدوزرها و چکمه‌های چندصدپاسدار وارثی از خواب پریدند. آنها آمده بودند که بنه تقلید از سلف خویش خانه‌های زحمتکشان را بر سرشان ویران کنند. پاسدارها و سربازان کسانی را که در خانه‌ها بودند به بیرون می‌خواندند و کسانی را که مقاومت میکردند به ضرب قنداق تفنگ و مشت و لگد بزور از خانه بیرون میکشیدند. رگبار تیرهای هوایی مرتباً شلیک میشد. با دستور حمله‌ی پاسداران، بولدوزرها بحرکت در آمدند و دیوارهای سست بنیباد را ویران کردند. در این عملیات که تا ساعت ۵ صبح ادامه یافت، ده‌ها نفر زخمی شدند و نزدیک به ۱۴۰ نفر از ساکنین شهرک نیز توسط پاسداران دستگیر شدند.

روزنامه‌ی انقلاب اسلامی روزشنبه به گزارش "بیطرفانه‌ی" واقعه پرداخت. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی روزیکشنبه، و بدنبال آن سایر مسئولین، با کمال وقاحت و بیشرمی ادعای کردند که اینها تعدادی بسا زوبین فروش ۱۱ و دلال غیره بودند. ولی از آنجا که دروغ و گمراهی حقه است! از طرف دیگر ادعا کردند که آنها در تهران پارس و نقاط دیگر پیشینها دزمین و مصالح ساختمانی مجانی شده بود. آیا به بسا زوبین فروشها زمین و مصالح ساختمانی مجانی میدهند؟

نبوی، "وزیر مشاور مکتبی" هم در مصاحبه‌ی مطبوعاتی خود از مردم خواست یاد نیک بی‌شهردار اسبق و معدوم تهران نبفتند. چرا؟ خون خراب کردن خانه‌ها توسط نیک پی و رژیم جمهوری اسلامی به زعم ایشان "دزخک" یکی است. اینک به ایندو در محتوی چه تفاوتی دارند، سؤال است که نبوی بدون پاسخ گذاشت. ولی وی، در عین حماقت کامل، به مطلب بسیار دقیقی اشاره کرد چون میدانست که مردم بدرستی این اعمال را با اعمال رژیم سابق بهنگام خراب کردن خانه‌های خارج از محدوده که در حقیقت نقطه‌ی آغازین جنبش توده‌ای علیه رژیم شاه را نیز تشکیل میداد. مقایسه خواهند کرد.

این بار نیز بخشی از زحمتکشان ما - و خوبست بدانیم که با تعدادی از ساکنین "شهرک طالقانی" گفتگوئی که داشتیم حاکی از این بود که بخش وسیعی از ایشان کارگران ساختمانی، بیکار، شاگردان نسوای غیره هستند. بدنبال خواست بحق خویش، یعنی داشتن مسکن، و پس از مدت‌ها دوندگی و متوسل شدن بسنه حکومت "حامی مستضعفان و در عمل پی بردن به این امر که حق گرفتاری است و نه دادنی، خود دست بکار شده و سرپناهی برای خود دست و پا کرده بودند.

بهر روز، صبح جمعه زحمتکشان مقیم شهرک که پیش از چند روز از رفتن اسکان داده بود، با متوقف کردن ماشینها و توضیح جنایات پاسداران دست به افشاگری زدند و سپس در حاشیه‌ی جاده‌ی با شعارهایی مثل "متحد، متحد، علیه برمایه‌دار"، "مرگ بر پاسدار، مرگ بر خاکی نخست وزیر ارتعاعی"، "مرگ بر بهشتی"، "مرگ بر خمینی"، به تظاهرات پرداختند. مردم شنبه صبح هم در مقابل مقر سپاه پاسداران کرج اجتماع کرده و خواستار آزادی دستگیرشدگان شدند، ولی سپاه پاسداران بیش از ۱۰ نفر دیگر را نیز دستگیر کرد.

رژیم جمهوری اسلامی نیز چه خوب ثابت کرد که واقعا "خلف راستین رژیم شاهنشاهی است و در سر - که زحمتکشان دست کمی از آن ندارد که هیچ، از آن پیشی هم میگردد. رژیم سرمایه‌داری پس از حمله و تخریب خانه‌های "خاک سفید" چندی قبل و "شهرک - طالقانی" اینک، یکبار دیگر این سخن انگلیس که "نظام سرمایه‌داری مایل به حل مسئله‌ی مسکن نیست" را به خوبی به اثبات رسانید.

حاکمان جمهوری اسلامی گمان میبرند که بدون از بین رفتن تضاد بین شهر و روستا، بدون داشتن یک سیاست صحیح برای ایجاد کار در شهرستانهای کوچکتر و در نتیجه تامین زندگی مردم... صرفا با توسل به احساسات مذهبی و با تبلیغ نیاز به گشتن زمینها و نیاز به "خودکفایی" میتواند از آنها جرت توده‌ها به شهرهای بزرگ در جستجوی کار و حداقش معیشت لازم برای زندگی، جلوگیری کنند. یک نگاه کوتاه به کارنامه‌ی رژیم در دو سال گذشته و بررسی ادعاهای ریز و درشت آن در رابطه با تامین مسکن برای "مستضعفین"، ایجاد بنیادهای گوناگون مسکن، خانه‌سازی والی آخر، برنامه‌های رنگارنگ تلویزیون که با هایهوی فراوان خیر از ساختمان تعدادی (کمتر از انگشتان دست) خانه در فلان شهر چند صد هزار نفری میدهند، همگی نشاندهنده این امر هستند که هیئت حاکمه در عمل قدمی واقعی برای ایجاد مسکن برای همه بر نداشت است. تنها مسئله‌ای که گاهی بنان اشاره میشود حاتم بخشی‌هاست که رژیم در مورد انتقال بعضی از خانواده‌ها (آنهم در بسیار موارد خانواده‌های نورچشمی) به ساختمانهای خالی انجام داده است. و تازه این عوام فریبی رژیم نیز بدفعات زمانیکه توده‌های زحمتکش خود مستقلا به اشغال خانه‌های خالی مبادرت کرده و با سرکوب وحشیانه‌ی پاسداران سرمایه‌شده‌اند، افشا شده است. سیاست بنیاد مسکن را هم در گذشته در صفات رهایی (خسرو ساهی، سند مربوط به بنیاد مسکن اصفهان) و سایر نشریات انقلابی به کرات افشا شده است. بنا بر این رژیم یکبار دیگر ورشکستگی کامل سیاسی و چهره‌ی کامل "ملا" ضد انقلابی خود را در مقابل زحمتکشان به نمایش گذارده است، و نشان داده که

پنجشنبه گذشته، یکبار دیگر رژیم جمهوری اسلامی به خانه‌های که زحمتکشان بدست خود برای سکونت خود بنا کرده بودند حمله کرد و آنها را با خاک یکسان کرد. ساکنین "شهرک طالقانی" - بین‌گرمدره و کلاک درحاشیه‌ی جاده‌ی تهران - کرج ساعت ۱۱ پنجشنبه شب با صدای بولدوزرها و چکمه‌های چندصدپاسدار وارثی از خواب پریدند. آنها آمده بودند که بنه تقلید از سلف خویش خانه‌های زحمتکشان را بر سرشان ویران کنند. پاسدارها و سربازان کسانی را که در خانه‌ها بودند به بیرون می‌خواندند و کسانی را که در خانه‌ها مقاومت میکردند به ضرب قنداق تفنگ و مشت و لگد بزور از خانه بیرون میکشیدند. رگبار تیرهای هوایی مرتباً شلیک میشد. با دستور حمله‌ی پاسداران، بولدوزرها بحرکت در آمدند و دیوارهای سست بنیباد را ویران کردند. در این عملیات که تا ساعت ۵ صبح ادامه یافت، ده‌ها نفر زخمی شدند و نزدیک به ۱۴۰ نفر از ساکنین شهرک نیز توسط پاسداران دستگیر شدند.

روزنامه‌ی انقلاب اسلامی روزشنبه به گزارش "بیطرفانه‌ی" واقعه پرداخت. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی روزیکشنبه، و بدنبال آن سایر مسئولین، با کمال وقاحت و بیشرمی ادعای کردند که اینها تعدادی بسا زوبین فروش ۱۱ و دلال غیره بودند. ولی از آنجا که دروغ و گمراهی حقه است! از طرف دیگر ادعا کردند که آنها در تهران پارس و نقاط دیگر پیشینها دزمین و مصالح ساختمانی مجانی شده بود. آیا به بسا زوبین فروشها زمین و مصالح ساختمانی مجانی میدهند؟

نبوی، "وزیر مشاور مکتبی" هم در مصاحبه‌ی مطبوعاتی خود از مردم خواست یاد نیک بی‌شهردار اسبق و معدوم تهران نبفتند. چرا؟ خون خراب کردن خانه‌ها توسط نیک پی و رژیم جمهوری اسلامی به زعم ایشان "دزخک" یکی است. اینک به ایندو در محتوی چه تفاوتی دارند، سؤال است که نبوی بدون پاسخ گذاشت. ولی وی، در عین حماقت کامل، به مطلب بسیار دقیقی اشاره کرد چون میدانست که مردم بدرستی این اعمال را با اعمال رژیم سابق بهنگام خراب کردن خانه‌های خارج از محدوده که در حقیقت نقطه‌ی آغازین جنبش توده‌ای علیه رژیم شاه را نیز تشکیل میداد. مقایسه خواهند کرد.

این بار نیز بخشی از زحمتکشان ما - و خوبست بدانیم که با تعدادی از ساکنین "شهرک طالقانی" گفتگوئی که داشتیم حاکی از این بود که بخش وسیعی از ایشان کارگران ساختمانی، بیکار، شاگردان نسوای غیره هستند. بدنبال خواست بحق خویش، یعنی داشتن مسکن، و پس از مدت‌ها دوندگی و متوسل شدن بسنه حکومت "حامی مستضعفان و در عمل پی بردن به این امر که حق گرفتاری است و نه دادنی، خود دست بکار شده و سرپناهی برای خود دست و پا کرده بودند.



امکانپذیر است. گذشته نیز نشان داده است که بر خوردهایی شعارگونه کارایی ندارند. بنا بر این میباید در عمل مبارزاتی صحت شعار "هر دو جناح حاکم، دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه دار" را اثبات کرد و این جز با شرکت مستقیم در اینگونه مبارزات و طرح شعارهای مشخص منتج از شرایط مشخص امکانپذیر نیست. رادیکالیزه شدن مبارزات توده ای امریست که به شرط برخورد درست و غیر گروهگرایانه توسط نیروهای کمونیست، امکانپذیر است. بشرط اینکه بخوا طرداشت، باشیم که توده های زحمتکش در حرکت اجتماعی و عمل اجتماعی خود توده به میل و خواست قیمهای خود گمارده، توهم را بدور خواهند ریخت و مقدمات انقلابی نوین و پی ریزی حاکمهی نوینی را فراهم خواهند کرد.

نه میخواهد و نه ما هینا "قادر به حل مشکل مسکن است و اما آنچه در برابر جنبه با حرکت اعتراضی توده مردم زحمتکش در مقابل حملهی رژیم با زهمس حائز اهمیت و توجه است، نگرش به آن از زاویهی مبارزات مجموعه زحمتکشان و بویژه کارگران است. ماههای اخیر شاهد گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری به حد قابل توجهی بوده است. این مبارزات در سطوح مختلف انجام پذیرفته است و عموماً "نیوز به برخورد با رژیم و عوام مل آن و سرکوب منجر گردیده است. بعنوان نمونه اعتصاب چندین هزار نفری کفش ملی به حملهی پاسداران و اسفاده از گاز اشک آور منجر گردید. اعتصاب کارگری شرکت واحد نیوز رژیم را سراسیمه کرده و موجب تبلیغات وسیع ضد کارگری آن شد. کارگران حگ زدهی شرکت نفت در مناطق مختلف به علل چندی و عمدتاً بر سر دریافت حقوق با رژیم درگیر شده اند و چندین نماینده اشان توسط رژیم دستگیر شده است. کارگران شرکت دخانیات دست به اعتصاب زده اند. کارگران ایران ناسیونال در طرف ۲ ماه دو اعتصاب چندین هزار نفری را پشت سر گذارده اند و موفق هم بوده اند. و اینها فقط نمونه هایی است از آنچه در سطح جامعه در کل اتفاق افتاده است. این روندیست که طی آن توده های متشکل زحمتکشان بطرق مختلف در مقابل کارفرما، و چون کارفرما در اکثر موارد دولت است، در مقابل دولت قرار میگیرد و این امریست که سرعت به اعتراضات جنبه ی سیاسی میدهد. موجب تعمیق مبارزه و تسریع روند آگاهی سیاسی و مقدم بر آن فروپاشی توهم نسبت به رژیم میگردد. آنچه در تمام این مبارزات، و همچنین حرکت زحمتکشان "خارج محدوده" بسیار قابل توجه است، همین جنبه ی است. در ابتدای امر خواستهای اقتصادی و رفاهی طرح میگردد و بمرحله برخورد با نیروی سرکوبگر دولت، گله اکثریت قریب به اتفاق موارد را تشکیل میدهد. شعارهای سیاسی حاد علیه رژیم طرح میشود. این امر نشان دهنده ی آنست که روحیه ی مبارزه حوثیسی توده ی زحمتکش در حدیال نسبه بالائی است. جنبه ی دیگر امر که میباید بخصوص بدقت از جانب ما و سایر نیروهای کمونیست مورد توجه قرار گیرد، اینست که کشمکش های سیاسی بین دو جناح حاکمیت دقیقاً "برزندگی اجتماعی زحمتکشان تا شرمی گذارد. این با توجه با آنچه که در فواید باره ی رویارویی بلافاصله مردم با رژیم گفته شده است همیشه پیدا میکند. زیرا از طرف دیگر جناح خرده بورژوازی حاکمیت فعلاً موفق شده است که جناح بورژوازی را تا حدود زیادی از ارکانهای حکومتی کنار بزند. بالتبع زحمتکشان بهنگام رویارویی با رژیم بطور عمده توسط ارکانهایی مثل سپاه پاسداران سرکوب میشوند که بطور مستقیم و مرئی با جناح خرده بورژوازی بی حاکمیت مرتبط هستند. بنا بر این در غیاب هرگونه بدیل انقلابی که در عمل مبارزه ی آنها را علیه کلیت سرمایه داری کالنا لیزه کند، و در عیاب تشکلات وسیع انقلابی و بعثت پائین بودن درجه ی آگاهی، بیدایش توهم نسبت به جناح بورژوازی بی حاکمیت بخصوص با توجه به مخالفت و مظلوم نمایی آن در مقابل جناح دیگر، از لحاظ عینی بسادگی

## "مرد پنجاه ریالی - وبالاتر" از آزادی مطبوعات دفاع می کند

"چریک بیژن، مهندس بازرگان، که در دوره ی ریاستش دهها روزنامه و مجله با تأسیس شخصی شخیص ایشان بسته شد، اکنون پس از بسته شدن روزنامه ی "میزان" مبارزه ای، از نوع بازرگانی، برای بازگشایی آن آغاز کرده است! شکل گسترده این مبارزه با اعلامیه ای که در "انقلاب اسلامی" ۲۴ فروردین با عنوان درشت "دعوت مهندس بازرگان از مردم ایران برای حمایت از آزادی مطبوعات" به چاپ رسیده است آغاز شد. ناگفته پیداست که در این "مبارزه ی چریک پیر"، توپ و تفنگ و حتی راه پیمائی و تحمّن نباید جای داشته باشد، اما پیس از خواندن اعلامیه می فهمیم که وی جرات ایراد یک سخنرانی خشک و خالی را هم ندارد. مبارزه آقاسای بازرگان از نوع "ریالی" است. ایشان نخست با ذکر اینکه "دهها سند مالکیت برای استخلاص" رضا صدر، سردبیر میزان، آماده است" با زپرس ویژه مطبوعات، را که گفته بود کسی حاضر به پرداخت وثیقه برای آزادی صدر نشده بود "خیط" میکنند! اما بلافاصله، برای آنکه کسی چشم طمع به "دهها سند مالکیت" ندوزد، به "مردم سرتاسر ایران" رومیکنند و از آنان میخواهد که "برای جمع آوری وثیقه ... هرکس بر حسب تمایل و تمکن خود میلیی بالاتر از پنجاه ریال به حساب شماره ۵۵۵۵ بانک صادرات ایران ... بگذارد!

بیچاره "مردم سراسر ایران"، که از یکسو رهبران سازشناپذیر مکتبی و از سوی دیگر متخصصین "مظلومانانه" به لطایف الحیل آنها را میچاپند.!!



# پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی